

بسم الله الرحمن الرحيم

نالہ های ماتم

مجموعه نوحه های اجرا شده توسط استاد سید محمد ذکی حسینی

صاحب امتیاز:

جامعه مداحان افغانستان

تکثیر:

دفتر فنی عرفان

به کوشش:

کربلایی سید ابراهیم طباطبایی

طباطبایی، سید ابراهیم، ۱۳۶۳.
ناله‌های ماتم: مجموعه نوحه‌های اجرا شده توسط مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی.
به کوشش: کربلایی سید ابراهیم طباطبایی.
جمع‌آوری شده از:
دفترچه‌های نوحه‌ی مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی و همچنین متن برداری از اجراهای صوتی و تصویری ایشان در سال‌های مختلف بویژه در اواخر عمر شریف‌شان.
قم، شهریورماه ۱۳۹۷ ه. ش. ۱۰۴ صفحه، در قطع جیبی، چاپ چهارم.
قیمت: ۱۴،۰۰۰ تومان، همراه با سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی سبک‌های نوحه‌ها بصورت تصویری.



شناسنامه کتاب

عنوان: ناله‌های ماتم
موضوع: مجموعه نوحه‌های اجرا شده توسط مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی
به کوشش: کربلایی سید ابراهیم طباطبایی
تایپ و حروفچینی: اسرا سادات محمدی
تصحیح و ویرایش: کربلایی سید مصطفی حسینی
طراحی و صفحه‌آرایی: کربلایی سید ابراهیم طباطبایی
تکنیر: دفتر فنی عرفان
شمارگان: ۷۲۰ نسخه
تاریخ و نوبت چاپ: ذی‌الحجه ۱۴۳۹ق، (شهریور ۱۳۹۷ش) / چهارم
قطع و صفحه: جیبی / ۱۰۴ صفحه
قیمت: ۱۴،۰۰۰ تومان، همراه با سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی سبک‌های نوحه‌ها بصورت تصویری

(کلیه حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است)

مرکز پخش و توزیع: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، فروشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی

تلفن تماس: ۰۹۳۹۵۳۶۸۱۶۵ و ۰۹۱۲۷۵۱۳۵۴۵ طباطبایی

رسول گرامی اسلامی (ص) می فرمایند:

برای شهادت حسین (ع) حرارت و گرمایی در دل های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی شود.

جامع الاحادیث الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۵۵۶



جلسات هفتگی جامعه مداحان افغانستان

زیر نظر شورای اساتید

هر هفته روزهای دوشنبه بعد از نماز مغرب و عشا از ساعت ۸ الی ۱۰ شب

تلفن های تماس جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر:

۰۹۱۲۴۵۱۷۴۲۹ و ۰۹۱۲۷۵۱۳۵۴۵



هیئت فاطمیون جامعه مداحان افغانستان

با حضور مداحان مختلف

هر هفته روزهای پنجشنبه بعد از نماز مغرب و عشا از ساعت ۸ الی ۱۰ شب

تلفن های تماس جهت همکاری و کسب اطلاعات بیشتر:

۰۹۱۹۴۵۱۰۰۴۳ و ۰۹۱۹۲۹۰۶۸۶۴

منتظر قدم سبزتان در جلسات هفتگی آموزش مداحی و هیئت فاطمیون خواهیم بود.

مقدمه

به نام خداوند بخشنده و مهربان، ثنا و ستایش مخصوص خداوندی است که تمام جهان هستی در ید با کفایت اوست، همگی از الطاف بی کران او برخوردارند و زمین و زمان همواره در مدح و ستایش اویند.

دروذ فراوان بر خاتم پیامبران و اهل بیت طاهرینش باد که رهبر و راهنما به سوی سعادت ابدی هستند، کشتی نجات از هلاکت در طوفان حوادث و بلایا، لذا افرادی که خواهان سعادت و خوشبختی هستند باید از پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت پیروی نمایند و محب واقعی خاندان عصمت و طهارت (ع) باشند.

یکی از نشانه‌های محبت پیامبر و اهل بیت (ع) تشکیل مجالس جشن و سرور در ایام ولادت خاندان عصمت و طهارت (ع) و تشکیل مجالس توسل و عزاداری در ایام مصیبت و سوگواری آنان و شرکت در آن مجالس می‌باشد.

لذا این بنده‌ی حقیر برای اینکه سهم بسیار اندکی در چنین مجالس بزرگ را داشته باشم اقدام نمودم به تهیه و تنظیم این مجموعه بنام ناله‌های ماتم، و تشکر ویژه را باید از استاد سید محمدزکی حسینی داشت که بسیار بنده را مورد محبت‌های خویش قرار داده و البته رهنمودهای حجت‌الاسلام والمسلمین الحاج استاد سید محمدتقی رضوانی بهسودی که به حق می‌توان ایشان را پدر شعر آیینی افغانستان نامید، امید است مورد عنایت خداوند متعال و رضایت اهل بیت (ع) قرار بگیرد.

و من الله توفیق

انا الحقیر کربلائی سید ابراهیم طباطبایی

۲۶ ذی الحجّه ۱۴۳۶

بخش اول

متن نوحه‌های

مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی

در دی‌وی‌دی ناله‌های ماتم

تراک شماره‌ی ۱ دی‌وی‌دی – وقت مردن

منم که عمری ز بینوایی، به درگه تو کنم گدایی
نما ز کارم گره‌گشایی، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم (۲)

منم که ماندم در آرزویت، جوانی‌ام رفت به عشق کویت
همیشه چشمم بود به سویت، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم (۲)

مریض عشقم شفا ندارد، به غیر وصلت دوا ندارد
خوشم که غیر تو را ندارم، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم (۲)

در انتظارم به وقت مردن، دمی بیایی به دیدن من
سرم گذاری به روی دامن، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم (۲)

ز درگه خود مرانم آقا، ز لطف و احسان بخوانم آقا
که رفته از کف توانم آقا، عزيز زهرا حسين مظلوم
عزيز زهرا حسين مظلوم (۲)

غمم فزون است بگير تو دستم، که ناتوان و فتاده هستم
به درگهت چون گدا نشستم، عزيز زهرا حسين مظلوم
عزيز زهرا حسين مظلوم (۲)

تراک شماره‌ی ۲ دی‌وی‌دی – سر سوره‌ی والفجر

ای کربلا ای وادی عشق، گشته سر من سودایی عشق
باشد هدفم آزادی عشق، سر سوره والفجر من
سر سوره‌ی والفجر من، والشفع والوترم من

از کعبه شتابان آمده‌ام، با جمله‌ی یاران آمده‌ام
تا هدیه کنم جان آمده‌ام، سر سوره‌ی والفجر من
سر سوره‌ی والفجر من، والشفع والوترم من

هفتاد و دو تن سرباز من اند، هم صحبت و هم آواز من اند
هم‌سر من اند هم‌راز منند، سر سوره‌ی والفجر من
سر سوره‌ی والفجر من، والشفع والوترم من

من آمده‌ام تا جان بدهم، جان را به ره جانان بدهم
آزادگی را عنوان بدهم، سر سوره‌ی والفجر من
سر سوره‌ی والفجر من، والشفع والوترم من

ای کربلا ای سنگر من، ای جای قشون و لشکر من
ای قتلگه آب آور من، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

تو محفل انس یار منی، تو مدرسه‌ی ایثار منی
تو قتلگه خونبار منی، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

دین زنده شود با باور من، با خون گلوی اصغر من
با اشک و نوای خواهر من، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

رضوانی بگو با شور و نوا، ای سینه‌زنان ای اهل عزا
فرمود چنین شاه شهدا، سر سوره‌ی والفجرم من

تراک شماره‌ی ۳ دی‌وی‌دی – این نوحه تکرار شده است تراک شماره ۴ دی‌وی‌دی – امیدواری

امروز علمت برپا، فردا به زمین افتد
غوغا ز حرم آن‌دم، تا عرش برین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

با کام و لب عطشان، از دجله بیرون آیی
مشک و علم و دستت، در خاک و ز کین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

چون حلقه‌ی انگشتر، اعدا به میان گیرند
جسمت چو عقیق آن‌جا، مانند نگین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

طفلان خیم خواهند، آب از تو شهید اما
کز ناله‌ی شان آتش، در جان به یقین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

تشریح نبردت را، مشکل که دهم تشریح
کز نور بنین انوار، بر جمع یمین افتاد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

تو شهره به عباسی، ای باب حوائج بین
تا کی ز فراق خون، از چشم حزین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

افکن نظری از لطف بر ناصری و این جمع
تا زان نگهت جان‌ها، در قرب قرین افتد

تراک شماره‌ی ۵ دی‌وی‌دی – سجاد مظلوم (ع)

من باغبان، باغ خزان، خون خدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

من جانشینم، بر باغبانی، در خون طپیده
جای تسلا، زخم زبان از، گلچین شنیده
داغی که دیدم، جز من کسی، در عالم ندیده
غم‌دیده هم از، داغ پدر هم، زهر جفایم

من باغبان، باغ خزان، خون خدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

با دیده‌ی خود، دیدم که شمع و، پروانه می‌سوخت
افتاده در خون، خود باغبان و، گلخانه می‌سوخت
مرغ اسیری، با جوجه‌هایش، در لانه می‌سوخت
در آتش تب، مظلومه زینب، می‌زد صدایم

من باغبان، باغ خزان، خون خدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

بابا رسیدم، تا با تو گویم، در این چهل سال
هر روز و هر شب، با گریه کردم، راه تو دنبال
از جای زنجیر، بر گردن من، کن پرسش و حال
هم جای آن غل، کز زیر ناقه، مانده به پایم

من باغبان، باغ خزان، خون خدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

بابا تو دانی، من از فراق، افسرده بودم
در دست گلچین، از آتش تب، پژمرده بودم
گر عمه زینب، یاری نمی‌کرد، من مرده بودم
از ام ایمن، گفت آن حدیث، زیبا برایم

من باغبان، باغ خزان، خون خدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

تراک شماره‌ی ۶ دی‌وی‌دی – مهلا مهلا

مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

صبری نما یکدم کنون ببینم روی نکویت
آهسته رو ای غم‌خوار یتیمان بوسم گلویت
ده مهلنتی چشم امید طفلان باشد به سویت
اندر قفایت سینه زن سراسر ای یار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

جان اخوا از بعد تو به عالم از عمر سیرم
ای کاش با این‌گونه رنج و ماتم شاها بمیرم
صبری نما تا بر سر تو از غم قرآن بگیرم
آخر خزان شد ای حبیب داور گلزار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

امشب چه سازم ای عزیز باری با این یتیمان
با این دل پر خون و اشک جاری در این بیابان
آخر نه این طفلان به آه و زاری گردیده لرزان
هجر تو باشد ای عزیز خواهر آزار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

شاهها اگر نبود برایت اکنون میر و علمدار
گیرم علم بر کف به قلب پر خون گردم جلودار
گیرد رکابت را خمیده خواهر با اشک جاری
آخر نما رحمی تو ای شاهها بر بیمار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

رفتی چو جان از پیکر من زار ای بی‌قرینه
بی‌ت وروم چون با دو چشم خونبار اندر مدینه
دنبال تو سینه زنان دل افکار باشد سکینه
بر کربلا خاشع تو ای برادر سالار زینب

تراک شماره‌ی ۷ دی‌وی‌دی – ای باد صبا

در ختم نماز خود، با باد صبا گفتا
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

در گوشه‌ی ویرانه، با شور و نوا زینب
با اشک روان می‌خواند، بنشسته نماز شب
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

غم‌های فراوان را، قسمت کنم ای مادر
تو چادر خاک آلود، از من سر بی‌معجز
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

رفتن ز تو در مسجد، در مجلس عام از من
خواری ز تو در بنتها، این کشور شام از من
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

بازوی کبود از تو، سنگ لب بام از من
آن آتش در از تو، تاراج خیام از من
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

از تو رخ نیلی و، از من تن آزرده
از تو دل نومید و، از من دل افسرده
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

محسن ز تو ای مادر، از من علی اصغر
از تو جگر پر خون، از من دل در خون تر
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

از تو بود آن مسمار، این کعب سنان از من
آن منع فدک از تو، این زخم زبان از من
ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

آن تخته‌ی در از تو، این ضرب عمود از من
این دختر سه ساله، با روی کبود از من

من بازوی عابد را، بسته به رسن دیدم
بابای غریبش را، بی غسل و کفن دیدم

ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

تو بازوی بابا را، بسته به رسن دیدی
رفتی ز قفای او، با پهلوی بشکسته

ای باد صبا برگو، با مادر من زهرا

رضوانی بگو زینب، ای بانوی دل خسته
تو دیدی به نوک نی، پیشانی بشکسته

تراک شماره‌ی ۸ دی‌وی‌دی – ای ثانی حیدر

ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس
ای مظہر جانبازی و ای ماہ منور عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

ای قلب علی در سینه‌ی تو، سیمای حسین آئینه‌ی تو
قربان دل بی‌کینه‌ی تو، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

ای بسته به جانت جان حسین، ای در همه دم نالان حسین
مردانه شدی قربان حسین، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

ای بحر سخا ای مظہر جود، مادر چو شنید کز ضرب عمود
بشکسته سرت باور ننمود، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

گفتا که شجاع است چون پدرش، بازوی قوی در کف سپرش
باور نکنم بشکسته سرش، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

زین قصه بشیر مشکن تو دلم، کز بازوی او افتاد علم
یا آن که دو دستش گشته قلم، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

او داده به طفلان وعده‌ی آب، خالی نکند پا را ز رکاب
تا آب برد بر طفل رباب، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

آویزه‌ی گوشش پند من است، او قلب علی دل‌بند من است
سرباز حسین فرزند من است، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

رضوانی تو هم با پیر و جوان، هم سینه بزن هم نوحه بخوان
فریاد بزن با سینه زنان ای ثانی حیدر عباس

تراک شماره‌ی ۹ دی‌وی‌دی – عمه‌جان از چه نیاید

عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم
کز فراقش روز و شب افسرده حال و بی‌قرارم
عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم

همچو مرغی منزلم در گوشه‌ی ویرانه گشتم
من گلی بودم به دوران از چه رو این‌گونه خارم
عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم

دختران شامیان در بستر عزت بخوابند
من به ویران از یتیمی سر به خستی می‌گذارم
عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم

خواب دیدم آمده بابای من اندر خرابه
می‌کشد دست نوازش از محبت بر عذارم
عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم

ای خوشا امشب من آواره در ویران بمیرم
عمّاهم راحت شود از ناله‌های شام تارم
عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم

بر من دور از وطن تابع کفن نبود چه سازم
جان دهم در کنج ویران همچو باب تاجدارم
عمه‌جان از چه نیاید از سفر باب کبارم

تراک شماره ۱۰ دی‌وی‌دی – سر قافله‌ی ما کو

ای قافله آهسته، سر قافله جا مانده
جان از تن ما گویی، در دشت بلا مانده
هنگام سفر آمد، سر قافله‌ی ما کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله با زینب، یک لحظه مدارا کن
در روز پریشانی، رحمی به دل ما کن
از اشک یتیمان این سلسله پروا کن
این قافله را میر است، آن میر توانا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله زینب را، تنها مبر از این جا
همراه حسین آمد، بی او نرود تنها
ای گل نکند بلبل، در دشت و دَمَن مأوا
آرام دل زینب، دُردانه‌ی زهرا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

عباس علمدارم، از قافله پس مانده
 آن شیر ستم برکن، در بند قفس مانده
 بی کس شدگان را در، این وادیه کس مانده
 طفلان پریشان را، در قافله سقا کو
 ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو



ای قافله اکبر کو، آن شبه پیمبر کو
 در قافله قاسم نیست، آن غنچه‌ی پرپر کو
 از عون خبر نامد، عبدالله و جعفر کو
 در باغ گل زهرا، گل‌های دل آرا کو
 ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله اصغر در گهواره نمی‌بینم
 گلبوسه از آن غنچه در خواب نمی‌چینم
 گویا که به خون خفته آن لعبت شیرینم
 شیر آمده بهر او آن غرق تمنا کو
 ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

آهسته شتربانان طفلان همه بی تابند
در دشت بلا دیده چون غنچه‌ی بی آبند
دل سوخته از داغ هجران رخ بایند
از این همه بی‌مهری با غمزه‌ی پروا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

یک مشت زن و کودک بی‌محرم و بی‌معجر
چون برگ گل لاله در دشت بلا پرپر
یک سلسله غم‌دیده در معرض غارت‌گر
بی‌پشت و پناهان را آن یار هم‌آوا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

تراک شماره‌ی ۱۱ دی‌وی‌دی – شد شام هجران

شد آخرین شب وای از جدایی
دل‌کنندم سخت از آشنایی
شد شام هجران وای از جدایی

گویی که جان از پیکر زند پر
می‌میرم از غم وای از جدایی
شد شام هجران وای از جدایی

یک خیمه از آه دارم ز هجرت
سازم چگونه عقده‌گشایی
شد شام هجران وای از جدایی

از غربت تو در نینوایت
از ناله چون نی دارم نوایی
شد شام هجران وای از جدایی

بنگر برادر بر خواهر خود
درد دلم را بنما شفایی
شد شام هجران وای از جدایی

تا که ببینم روی اسیر تو را
در پیش چشمم کن دلربایی
شد شام هجران وای از جدایی

فردا دگر رویت نبینم
جز آنکه غرق خون بلایی
شد شام هجران وای از جدایی

بوی فراق از صحرا بیاید
این شام آخر شد کربلایی
شد شام هجران وای از جدایی

چون شب سرآید محشر درآید
هر جان عاشق گردد فدایی

ای همسفر با صبح سپیده
ای نور دیده وجه خدایی
شد شام هجران وای از جدایی

فردا ز هجران جان می‌سپارم
در جستجویت گویم کجایی
شد شام هجران وای از جدایی

تا آن‌که با تو هم‌ره شوم من
جان برادر بنما دعایی
شد شام هجران وای از جدایی

شماره‌ی ۱۲ دی‌وی‌دی – میر لشکر من

میر لشکر من نازنین برادر
نور چشم حیدر یار و یاور من
میر لشکر من نازنین برادر

فرق نازنینت تا ز کین شکستند
بر من دل افکار راه چاره بستند
میر لشکر من نازنین برادر

هر دو دست تو تا از بدن جد اشد
قامتم به زیر بار غم دو تا شد
میر لشکر من نازنین برادر

ای شجاع میدان صفدر رشیدم
بودی ای برادر مایه‌ی امیدم
میر لشکر من نازنین برادر

کس ندیده سقا تشنه جان سپارد
ای معین و یارم از غمت فکارم
میر لشکر من نازنین برادر

قامتم شکسته از غمت برادر
زندگی نخواهم بعدت ای برادر
میر لشکر من نازنین برادر

تراک شماره‌ی ۱۳ دی‌وی‌دی – این نوحه تکرار شده است تراک شماره‌ی ۱۴ دی‌وی‌دی – نوبهار آزادی

کربلای خونین شد نوبهار آزادی
چون به آن دیار آمد شهریار آزادی
تا که پر ز خون سازد لاله‌زار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

بزم اهل کیوان را شمس مشرقین آمد
کربلا گلستان شد موکب حسین آمد
نینوا نوا سر داد شد دیار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

چون که روز عاشورا روز قتل و خون آمد
سروهای آزاد از خیمه‌ها بیرون آمد
شد به سوی پیر عشق با شعار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی
اهل بیت و اصحابش هر یکی به میدان شد

پیر عشق شد تنها کشته جمع یاران شد
خود به سوی میدان شد شهسوار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

پای در رکاب آورد کربلا شرر بگرفت
چون به علقمه آمد دست بر کمر بگرفت
در کنار سردار نامدار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

چون رکاب خالی کرد کربلا معلی شد
خاک تربتش مهر سجده در مصلی شد
تا به خون سر رنگین شد عذار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

هجده سر خونین چون به هم مقابل شد
هر یکی اسیری را زینت محامل شد
سوی شام شد زینب پاسدار آزادی
دید سر حسینش را دیده در قفا مانده

سوی پای عریان کودکی که جا مانده
قطره قطره خون ریزد روی خار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

کس ندیده در عالم کودک و چنین خواری
زخم کعب نی بر دوش خون ز زخم پا جاری
عاقبت شد آن کودک افتخار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

تا قلم رسید این جا همچو باده سر بشکست
از خروش رضوانی سوزش شرر بشکست
باده چون طهورا بود شد خمار آزادی
کربلای خونین شد نوبهار آزادی

تراک شماره‌ی ۱۵ دی‌وی‌دی – ماه کنعان حسن

یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را
در خسوف از، ابر خون بین، ماه کنعان حسن را
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

از فرس تا، من فتادم، سویم از هر، سو دویندند
تا که گفتم، من یتیمم، با لگد نازم خریدند
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

لحظه‌های آخرم شد، جلوه کن ماه منیرم
آرزو دارم عموجان، روی دامانت بمیرم
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

نور چشم هر دو عالم، چشم من در خون نشسته
ای امام دل شکسته، استخوان من شکسته
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

ای صبا رو، سوی خیمه، تو بگو با آل هاشم
کس نباشد دیده بر ره، بین ره افتاده قاسم
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

ای امام تشنه‌ی من، تشنگی رفته ز یادم
تا که تیر آمد به سویم، یاد بابیم فتادم
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

دیدنی شد، حجله‌گاهم، ای عزیز، بهتر از جان
جای نقل شادی اینجا، گشته قاسم سنگ‌باران
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

ای صبا رو، سوی خیمه، تو بگو با آل هاشم
کس نباشد دیده بر ره، بین ره افتاده قاسم
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

ای امام تشنه‌ی من، تشنگی رفته ز یادم
تا که تیر آمد به سویم، یاد بابیم فتادم

دیدنی شد، حجله‌گاهم، ای عزیز، بهتر از جان
جای نقل شادی اینجا، گشته قاسم سنگ‌باران
یابن زهرا، دیده بگشا، کن تماشا، حال من را

تراک شماره‌ی ۱۶ دی‌وی‌دی – به پشتو اجرا شده تراک شماره‌ی ۱۷ دی‌وی‌دی – وای ابافاضلم

خواهر گریان من زینب نالان من
از چه نیامد بگو ساقی طفلان من
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

خواهر دریا دلم همسفر منزلم
از چه پریشان شدم سوخت مگر حاصلم
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

عاشقی مدهوش شد علقمه گل‌پوش شد
نعره‌ی عباس من ساکت و خاموش شد
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

خیز و بکن یاریم روز گرفتاریم
نایبه‌ی فاطمه کن تو علمداریم
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

علقمه شد لاله‌گون بخت تو شد واژگون
از کف عباس من شد علمش سرنگون
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

قطع شد امید من خیره شده دید من
یا که شده غرق خون صورت خورشید من
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

خواهر غم‌پرورم زود بیا در برم
بین کمر من شکست کشته شد آب آورم
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

می‌رسد این زمزمه از طرف علقمه
گوش نما خواهرم نوحه‌گر است فاطمه
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

هست در احساس من گوید او عباس من
آمده‌ام از جنان عطر گل یاس من

راضی‌ام ای مه‌جبین از تو ام‌البین
باز بکن چشم خود مادر خود را ببین
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

جمله در این انجمن نوحه‌گر و سینه‌زن
ناله‌ی رضوانی را گوش کن و سینه‌زن
وای ابافاضلم، وای ابافاضلم

تراک شماره‌ی ۱۸ دی‌وی‌دی – چراغ خیمه



چراغ خیمه روشن کن که بی تابانه بنشینم
به داغ ماتم اصغر در این غمخانه بنشینم
من این گهواره‌ی خالی خدایا چون کنم باور
گل زیبای من اصغر (۲)

رسیده باغبان اما ره گلخانه گم کرده
گلم را برده در میدان ولی دیگر نیاورده
حسینم طفل معصوم چه شد؟ آخر منم مادر
گل زیبای من اصغر (۲)

چرا چون برگ گل دوش ز خون غنچه رنگین است
مگر سنگ جفا آمد چرا آیینه خونین است
خدا صبرت دهد مولای من ای سبط پیغمبر
گل زیبای من اصغر (۲)

بیا زینت برایم روضه‌ی اصغر بخوان بانو
حدیث تیر کین و حنجر کوثر بخوان بانو
بخوان تا خیمه را از اشک خون دریا کنم یکسر
گل زیبای من اصغر (۲)

دعا کن تا خدا گیرد ز من این حجله‌ی ما را
که شد این کودک لب تشنه به دین خدا یاور
گل زیبای من اصغر (۲)

تراک شماره‌ی ۱۹ – این نوحه به پشتو اجرا شده است تراک شماره‌ی ۲۰ دی‌وی‌دی – ره وفا

چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن
چه خوش است ناز جانان همه را به جان خریدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه خوش است جان سپاری به قدوم چون یاری
به منای کربلای تو شها به خون طپیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه غمی ز بی پناهی به حضور چون تو شاهی
که خوش آیدم به راه تو شها بلا کشیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه شود اگر عموجان بروم به سوی میدان
که خوش است و از تو فرمان و ز من به سر دویدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چو غزال مجتبی شد ز میان خیمه بیرون
به شتاب از پی آمد شه دین برای دیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه عمو چه نوجوانی چه گلی چه باغبانی
به حسن صبا خبر ده که چه جای آرمیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

به میان کوفیان رفت و بزد به قلب لشکر
چه خوش است و از غزالی همه گرگ‌ها رمیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

به جواب اهل کوفه به زبان حال می‌گفت
چه خوش است ناسزاها به ره خدا شنیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

زند آتشم حسانان غم شاهزاده قاسم
بنگر به دست گلچین گل نشکفته چیدن

تراک شماره‌ی ۲۱ دی‌وی‌دی – آخرین شهید

مرغ خوش ترانه‌ی من تکیه کن به شانهِی من
از تبسم تو خون شد اشک بی‌بهانه‌ی من
برگ یاس مادر اصغر (۲)

در شهادت تو بابا گریه کرده عرش اعلا
حق به خاطر غم تو می‌دهد مرا تسلی
برگ یاس مادر اصغر (۲)

چون فرشته پاک و معصوم مثل من غریب و مظلوم
اشک دیده‌ام بشوید خون آن بریده حلقوم
برگ یاس مادر اصغر (۲)

شیر اگر نبود و آبت صبر اگر نبود و تابت
دایه‌ی تو در بهشت است منتظر بود ربابت
برگ یاس مادر اصغر (۲)

غنچه‌ی نشکفته اصغر چشم تو نخفته اصغر
آفرین شهیدم اصغر خنده کن امیدم اصغر
برگ یاس مادر اصغر (۲)

بی تو ای گل امیدم شده شمع خیمه خاموش
کودکان به غم نشستند شده گهواره سیه پوش
برگ یاس مادر اصغر (۲)

نه گل و نه غنچه مانده به بهار آرزویم
به چه حسرت و چه حالی ره خیمه را بپویم
برگ یاس مادر اصغر (۲)

به حرم در انتظارت بنشسته مادر تو
بی خبر از آن که گردید پاره پاره حنجر تو
برگ یاس مادر اصغر (۲)

خم شدم که با لب خود بوسه بنشانم به رویت
تیر قاتل تو بنشست بر سپیدی گلویت

تراک شماره‌ی ۲۲ دی‌وی‌دی – زائر گل‌ها



ای ماه فاطمه جانم فدای تو
عزم سفر کنم از کربلای تو
ای جسم بی‌کفن، ای نازنین بدن، ای پاره پاره تن
مظلوم حسین من، مظلوم حسین من

بی تو چگونه من شب را سحر کنم
من با تو آمدم بی تو سفر کنم
خم گشته قامتم، این آه حسرتم، این اشک غربتم
مظلوم حسین من، مظلوم حسین من

با اشک دیده و قد خمیده‌ام
من زائر تو و گل‌های چیده‌ام
داغت ز جان من، برده توان من، ای مهربان من
مظلوم حسین من، مظلوم حسین من

بعد از تو یا حسین با غم خزان شده
سنگ صبور من کعب و سنان شده
ای لاله‌ی شهید، بی تو قدم خمید، رنگ از رخم پرید
مظلوم حسین من، مظلوم حسین من

من می‌روم ولی با تو دل من است
شمع وصال تو در محفل من است
غم گشته حاصلم، داغ تو در دلم، جسمت مقابلم
مظلوم حسین من، مظلوم حسین من

تراک شماره ۲۳ دی‌وی‌دی – تو امید منی

تو امید منی تو پناه منی ابی‌عبدالله یا ثارالله
 تویی کعبه‌ی من تو منای منی
 تویی مروه‌ی من تو صفای منی
 به سراغ تو بروم هر جا گهی شام غم گهی کربلا یا ثارالله
 تویی شوکت من تویی عترت من
 غم دوری تو شده قسمت من
 شب و روز از غصه‌ی تو نالم که دمی نگری تو بر احوالم یا ثارالله
 شب و روزم با سر پرخونت
 به فدای چهره‌ی گلگونت
 تو حسین منی تو برادر من
 تو درخت میوه‌ی باور من
 شده غرق به خون سر نور تو شده نیلی بازوی خواهر تو
 به تو هم‌رزمم ب تو هم‌دردم
 نتوانم از تو جدا گردم
 که پس از تو ای مه انور من
 خبری که چه آمده بر سر من

همه جا نامی ز تو می بردم ز جفا همچون گلی افسردم یا ثارالله
همه جا هستی تو مقابل من
نگران هستی سوی محمل من
همه دم رخسار تو می بینم
که ز باغ حسن تو گل چینم
رضوانی مضطر بگو مکرر ابی عبدالله یا ثارالله

تراک شماره‌ی ۲۴ دی‌وی‌دی – جانان خواهر

ای گل برایم بی تو نمانده برگ و نوایی
وای از اسیری وای از غریبی آه از جدایی
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

ای ماه زهرا ای عشق زینب شد وقت هجران
خواهر بمیرد بر زخم‌هایت مظلوم حسین جان
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

کی باورم بود تیغ از گلویت بوسه بگیرد
ای نازنینم بعد از تو ای کاش زینب بمیرد
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

مثل دل من جسم تو ای گل شد پاره پاره
هفت آسمان قلب مرا نیست دیگر ستاره
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

خواهم که آید بعد او فراقتم عمرم به پایان
تو سر نداری تا من بگیرم به روی دامان
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

ای باغبان بی سر گلی در گلشن نداری
جایی برای یک بوسه‌ی من بر تن نداری
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

ای یوسف من کی برده از تن پیراهنت را
از اشک دیده مرهم گذارم زخم تنت را
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

بنگر سکینه از تو جدا شد با تازیانه
ترسم که مرغ روحش پرزند پر از آشیانه
جانان خواهر مظلوم حسینم مظلوم حسینم

بخش دوم

متن نوحه‌های

مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی

در سی‌دی اول نوای نینوا

تراک شماره ۱ سی‌دی اول – چاوشی

هر کجا وصف گل است از خار هم آید سخن
تو گل زهرا و من پای تو خارم یا حسین

در دم جان دادم ای جان زهرا بر سرم
یک قدم بگذار من چشم انتظارم یا حسین

روز محشر کز زمین یک نی بلند است آسمان
سایه‌ای جز مهر تو بر سر ندارد یا حسین

تراک شماره‌ی ۲ سی‌دی اول – تو مولای کریمی

تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار
تویی یوسف زهرا، منم حرّ گنه‌کار
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

من آنم که شکستم، دل زینب و طفلان
تو آنی که گشودی، در رحمت و غفران
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

من و کثرت عصیان، تو و رحمت ذوالمن
اگر ره نگشایی، به رویم چه کنم
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

ز رویت خجلم من، گنه‌کار و بد استم
چه سازم نرسد گر، به دامان تو دستم
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

به تو آب ندادم، بر تو راه ببستم
دل اهل حرم را، تو دیدی که شکستم
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

حسین ای گل طاها، جگرگوشه‌ی زهرا
بگو تا که ببخشد، مرا زینب کبری
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

اگر فاطمه پرسد، ز من در صف محشر
چرا آب ندادی، به گل‌های پیمبر
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

چه گویه به جوابش، به فردای قیامت
چه سازم من مسکین، به میزان عدالت
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

ز من روی مگردان، که وا مانده ز راهم
من و جرم و خطایم، من و بار گناهم

ز راه آمده‌ام من، ز نم بوسه به پایت
بده اذن جهادم، که گردم به فدایت
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

ز روی تو و زینب، خجالت زده هستم
بده خطّ امانم، که من دل به تو بستم
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

دل‌م گشته حسینی، به لب زمزمه دارم
که امید عطا از، تو و فاطمه دارم
تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار

تراک شماره‌ی ۳ سی‌دی اول – امیر جند و سپاه منی

تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی
به فدای دست بریده‌ات که به غربتم تو گواه منی
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

به فدای رنگ پریده‌ات نظرم به مشک دریده‌ات
به لوای گشته نگون تو به دو بازوان بریده‌ات
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

شده‌ام چون لاله به باغ تو کمرم شکسته ز داغ تو
چه دهم جواب رقیه را بگیرد اگر که سراغ تو
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

تو ز جای خیز که با هم رویم به سوی خیام حرم رویم
ز کنار علقمه یا اخوا به حرم قدم به قدم رویم
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

شده سرنگون ز چه رایتت شده خون دیده حکایتت
تو نمیکنی نظری به من شده قطع و از چه عنایتت
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

نظری نما تو به سوی من بنگر شکسته به سوی من
به نماز عشق و به علقمه شده خون سر چو وضوی من
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

من و هر دو بال شکسته‌ام من و جسم زخمی خسته‌ام
من و انتظار حضور تو و وفا به عهدی که بسته‌ام
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

تو صلاه منی تو قیام منی تو شراب عشق و به جام منی
تویی مقصد من تو مرام منی تویی هادی من تو امام منی
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

تو عروج منی تو داوم منی تو سکوت منی تو کلام منی
به سوی خدا و فرشتگان ببرم پیام تو یا حسین

به غبار کربلا قسم و به کعبه بیت خدا قسم
به حرا و زمزم و کوه نور به منا و سعی و صفا قسم
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

که تو رکن منی تو مقام منی تویی مشعر و حل حرام منی
تو قعود منی تو قیام منی تو تشهد من تو سلام منی
تو امیر جند و سپاه منی تو امید منی تو پناه منی

تراک شماره‌ی ۴ سی‌دی اول – السلام علی المهدی

تو امید دل مایی، تو سلاله‌ی زهرایی
 مثل لاله‌ی خونین شد، دل ما به تمنایت
 چه شود که لب یاران، بزند بوسه به پایت
 چشم ما و گل رویت، سر ما قدمهایت
 تو غریبی و تنهایی، السلام علی المهدی

صبح جمعه به امیدم، گل روی تو را بینم
 با دعای تو در ندبه، سر راه تو بنشینم
 که پس از شب هجرانت، گل وصل تو را چینم
 ای که یاسین و طاهایی، السلام علی المهدی

تو به خون دلت بنویس، در کتاب غم مادر
 تو بگو که چه‌ها بگذشت، در مدینه‌ی پیغمبر
 از شکفتن یک غنچه، از خزان گل پرپر
 بگو از شب تنهایی، السلام علی المهدی

در دعای تو می خوانم، یابن یاسین و الطاهرا
به هوای تو می گویم، ای قرار دل زهرا

تراک شماره‌ی ۵ سی‌دی اول – ای غنچه‌ی پرپر

ای غنچه پرپر ای لاله‌ی احمر
ای بلبل باغ دلم ا بسته بال و پر ای بلبل مادر
برگشته‌ای خشکیده لب با حلق از خون تر ای لاله‌ی احمر

ای مرغک نالان من از چیت خاموشی دیگر نمی‌جوشی
گهواره‌ات شد شط خون غلطان در آغوشی از چه کفن پوشی
ای غنچه‌ی خونین دهن ای لاله‌ی احمر ای غنچه‌ی پرپر

نیلوفر من ای خدا از چیست پژمرده هوش از سرم برده
یا رب چرا این غنچه نو رسته افسرده یا از من آزرده
چشمان مستش بسته شد تا دامن محشر این غنچه‌ی پرپر

با دست و پای بسته‌ات چشم از جهان بستی از قید تن
رستی

مرورید خونین چرا دور دهن بستی قلب مرا خستی
ای کودک لب تشنه‌ام داغ دل مادر ای غنچه‌ی پرپر

پر خون شده از قطره قطره خون لب‌هایت آغوش بابایت
گلگون شد از خون گلو رخسار زیبایت چشمان شهلایت
مادر به قربان تو ای سرباز بی‌سنگر ای غنچه‌ی پرپر

بر روی مادر خنده‌زن بوسم گل رویت بین دو ابرویت
خون می‌چکد اصغر چرا از حلق نیکویت قربان گیسویت
ای غنچه قبل از وا شدن گشتی چرا پرپر ای غنچه‌ی پرپر

ای عمه‌اش زینب بیا بین اصغرم آمد تاج سرم آمد
پر خون در آغوش پدر نیلوفر آمد بین اصغرم آمد
بر روی دوش باب خود بنهاده سر اصغر ای غنچه‌ی پرپر

تراک شماره‌ی ۶ سی‌دی اول – ابن حیدر ای مولا

ابن حیدر ای مولا ابن حیدر ای مولا

ای که ساقی طفلان گشته نام تو عباس
تشنه‌تر ز دشت خون گشته کام تو عباس

دست تو ز تن افتاد از جفای قوم دون
چشم تشنه‌کامان شد در فراق تو پر خون

می‌کند به بالینت فاطمه عزاداری
بعد تو عطش کرده از رقیه غم‌خواری

ای که باب حاجاتی قبله‌ی مناجاتی
ترک مشک و بازو کن جانب حرم رو کن

چشم نازینت را تیر خصم دون بسته
قلب خواهرت زینب از غم تو بشکسته

از شرار هجرانت شد سکینه گریانت
ای پناه و یار من جان دهم ز هجرانت

ای مکه میر و سالاری بر همه تو غم خواری
حق مادرت زهرا کن نظر به ما مولا

تراک شماره‌ی ۷ سی‌دی اول – نور دو چشم زهرا

خوب نمودند مهمانی
نور دو چشم زهرا را، نور دو چشم زهرا را
روح و روان پیغمبر
پاره‌ی قلب مولا را، پاره‌ی قلب مولا را
سبط پیمبر زاده‌ی حیدر
یاور و غم‌خوار زینب، یاور و غم‌خوار زینب
قلب حسن جانان ابوالفضل
شاه شهیدان عالم، شاه شهیدان عالم
از چه نمودند واله و حیران
اهل و عیال طاها را، اهل و عیال طاها را
آتش کینه از چه بسوزد
حرمت اهل معنا را، حرمت اهل معنا را

رحم نکردند با لب تشنه
راس تو را ببریده‌اند، راس تو را ببریده‌اند
پیکر عریان روی بیابان

با که بگویم غم‌ها را، با که بگویم غم‌ها را

قد چو سرو ساقی طفلان
از چه فتاده در خون است، از چه فتاده در خون است
دست بریده مشک دریده
برده توان مولا را، بسته دو چشم شهلا را

گشته به روی دست پدر
آن کودک شش ماهه‌ی عطشان، اهل حرم شد پریشان
تیر سه شعبه کرده خموش آن
دسته گل زیبا را، دسته گل زیبا را

از غم اکبر رفته ز کف هم
تاب و توان لیلا شد، تاب و توان لیلا شد
زلف چلیپا غرقه به خون است
بسته دو چشم شهلا را، بسته دو چشم شهلا را

شعر از: سید محمدذکی حسینی

تراک شماره‌ی ۸ سی‌دی اول – بابا به قربانت

بابا به قربانت

بابا که کرده سر جدا با لعل عطشانت بابا به قربانت

برده که غارت پیرهن از جسم عریانت بابا به قربانت

بابا به قربانت ۲

بابا کدامین ظالم از پیکر بریدت سر ای شاه بحر و بر

بابا به حلق تشنه‌ات از کین کی زد خنجر خاک غمم بر سر

بابا به قربانت ۲

بهر چه بی غسل و کفن خوابیده‌ای در خاک ای سید لولاک

اینسان چرا شد پیکرت از تیغ و خنجر پاک افتاده اندر خاک

بابا به قربانت ۲

بابا شد اینک دیده‌ی اعدای ما روشن شاهنشاه ذوالمن

تنها چه سان بگذارم اندراین بیابانت بابا به قربانت

بابا به قربانت ۲

شد روزها شام سیه ای حجت ذوالمن از صدمه‌ی دشمن

قطع رجا شد از عیال مو پریشانت بابا به قربانت

بابا به قربانت ۲

بابا بغل بگشا سکینه آرزو دارد روی سوی تو آرد
از هجر رویت ناله‌ها اندر گلو دارد این آرزو دارد

بابا به قربانت ۲

با حضرت تو اشتیاق گفتگو دارد ترس از عدو دارد
بنشین پدر تا سر نهم یکدم به دامانت بابا به قربانت

بابا به قربانت ۲

تراک شماره‌ی ۹ سی‌دی اول – امیری یا حسین جانم

مرا رخصت بده تا پیش مرگ اکبرت گردم

رخصت مرگ

اگر بر آستان خوانی مرا خاک درت گردم
و گر از در برانی خاک پای لشکرت گردم

به دامانت غبار آسا نشستم بر نمی‌خیزم
و گر بفشانی‌ام چون گرد بر گرد سرت گردم

علی شیر خدا باب تو شیر خود به قاتل داد
تو ای دل‌بند او می‌پسند نومید از درت گردم

دل جانم ز تاب شرم همچون شمع می‌سوزد
بده پروانه تا پروانه‌وش خاکسترت گردم

به دربارت اگر بارم دهی باری زهی عزت
ولیکن با چه رویی روبرو با خواهرت کردم

ببین از کرده‌ی خود سر به پیشم سربلندم کن
مرا رخصت بده تا پیش‌مرگ اکبرت کردم
به صد تعظیم نام فاطمه آرم به لب ز آن رو
که خواهم رستگار از فیض نام مادرت کردم

اگر باشد به دستم اختیار از بعد سر دادن
سرم گیرم به دست و باز بر گرد سرت کردم

علی انسانی

بخش سوم

متن نوحه‌های

مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی

در سی‌دی دوم نوای نینوا

تراک شماره‌ی ۱ سی‌دی دوم – امیری یا حسین جانم

توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا
ای نور دیده گانم روح و روانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

در فصل کامرانی بی تو به دار فانی
سخت است زندگانی سرو روانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

بابا چنین شتابان چون می‌روی به میدان
بگذر ز زیر قرآن تازه جوانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

ای ماه کامل من ای کل حاصل من
مشکن علی دل من جان جهانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

لختی عنان سبک تر ای نوجوانم اکبر
ای نجل پاک حیدر بنگر فغانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

دل بسته‌ام به مویت چون مصطفی است خویت
قربان ماه رویت عشق نهانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

ای لاله‌ی بهارم بنشین دمی کنارم
یوسف گل‌عدارم ماه کنعانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

ای نور هر دو دیده فصل خزان رسیده
بنگر قدم خمیده تاب و توانم مهلا
توسن بران آهسته اکبر جوانم مهلا

تراک شماره‌ی ۲ سی‌دی دوم – ماه آسمان لیلا

دل سنگ خاره شد خون ز غم جوان لیلا
نه عجب که گشته مجنون دل ناتوان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

دل شاه خون شد از شور فراق شاهزاده
ز نوای بانوان حرم و فغان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

چو فتاد نخله‌ی طور تجلی الهی
به فلک بلند شد آه شرر فشان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

به امید پروریدم چو تو شاخه‌ی گلی را
ندهد فلک نشان چون گل بوستان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

که به زیر سایه‌ی سرو تو کام دل بیابم
اسفا سر تو بر منی شده سایبان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

تو به نی برادر من من اسیر بند دشمن
به خدا نبود و این حادثه در گمان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

من و داغ یک چمن لاله‌ی دلگشای گیتی
من و سوز یک جهان شمع جهان ستان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

من و یاد سرو اندام عزیز نامرادم
که نشانه جویم از یوسف بی نشان لیلا
ماه آسمان لیلا اکبر ای جوان لیلا

ز حدیث شور قمری بگذر که برده از دست
دل صد هزار داستان غم داستان لیلا

تراک شماره‌ی ۳ سی‌دی دوم – شب وصال

امشب شب وصال است روز فراق فرداست
در پرده‌ی حجازی شور عراق فرداست
امشب شب وصال است روز فراق فرداست

امشب قرآن سعد است در اختران خرگاه
یا آن که لیل‌ت البدر روز محاق فرداست
امشب شب وصال است روز فراق فرداست

امشب ز لاله‌رویان فرخنده لاله‌زاری است
رخساره‌ای چون شمع در احتراق فرداست
امشب شب وصال است روز فراق فرداست

امشب نوای تسبیح از شش جهت بلند است
فریاد واحسینا تا نه رواق فرداست
امشب شب وصال است روز فراق فرداست

امشب به نور توحید خرگاه شاه روشن
در خیمه آتش کفر دود نفاق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب ز روی اکبر قرص قمر هویداست
آسیب انشقاق از تیغ شقاق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب شکفته اصغر چون گل به روی مادر
پیکان و آن گلو را بوس و عناق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب خوش است و خرم شمشاد قد قاسم
رفتن به حجله‌ی گور با طمطراق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب نهاده بیمار سر روی بالش ناز
گردن به حلقه‌ی غل پا در وثاق فرداست

امشب به روی ساقی آزادگان گشاده
بند گران دشمن بر دست و ساق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب نشسته مولا بر رفر عبادت
پیمودن ره عشق روی براق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب شب عروج است تا بزم قاب و قوسین
هنگام رزم و پیکار یوم السباق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب شه شهیدان آماده‌ی رحیل است
دیدار روی جانان یوم‌التلاق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

امشب بگو به بانو یک ساعتی بیارام
هنگامه‌ی بلا خیز ما لا یطاق فرداست

امشب قرین یاری از چیست بی قرار
دل گر شود ز طاقت یکباره طاق فرداست
امشب شب وصال روز فراق فرداست

شعر از: کمپانی

تراک شماره‌ی ۴ سی‌دی دوم - ای آسمان خون‌گریه کن

ای آسمان خون‌گریه کن اکبر به میدان می‌رود
بنگر که از جسم حسین از رفتنش جان می‌رود
ای آسمان خون‌گریه کن اکبر به میدان می‌رود

چون بوی گل پاک و رها بر رفر باد صبا
خود باغبانش از قفا افتان و خیزان می‌رود
ای آسمان خون‌گریه کن اکبر به میدان می‌رود

این اکبر لیلا بود بر سینه‌ی پاک حسین
یا سوره‌ی یوسف که از آغوش قرآن می‌رود
ای آسمان خون‌گریه کن اکبر به میدان می‌رود

آن دلبر نیکو سیر تیغ مشعشع در کمر
در آسمان عاشقی چون ماه تابان می‌رود
ای آسمان خون‌گریه کن اکبر به میدان می‌رود

به به از یان زیبا پسر زیباتر از شمس و قمر
شمس و قمر با یک نظر او را به قربان می‌رود
ای آسمان خون گریه کن اکبر به میدان می‌رود

مرد و زن و پیر و جوان از بهر توقیعش دوان
جان‌ها به دنبالش روان از بس خرامان می‌رود
ای آسمان خون گریه کن اکبر به میدان می‌رود

تا قلب دشمن را کند تسخیر با رخسار خود
ابرو به هم آورده و با تیر مژگان می‌رود
ای آسمان خون گریه کن اکبر به میدان می‌رود

چشم و چراغ زینبی آئینه‌ی روی بنی
رویی که هر چشمی در او گردیده حیران می‌رود
ای آسمان خون گریه کن اکبر به میدان می‌رود

یک سو به دل داغ پدر یک سو به رضوانش نظر
هرچند می‌گرید ولی با لعل خندان می‌رود

بخش چهارم

(نوحه‌های حسینی)

سروده‌های

مرحوم استاد سید محمدذکی حسینی

نوحه‌ی شماره‌ی ۱

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی حضرت علی اصغر علیه‌السلام

(علی اصغر من گل پرپر من)

بخواب اصغر ای نوگل پرپر من

بخواب ای تو نور دو چشم تر من

بخواب ای عزیزم به دامان صحرا

به زودی تو رفتی چرا از بر من

شوم من فدای دو چشمانت ای جان

فدایت شوم ای ز جان بهتر من

نکردند و رحمی و آبت ندادند

فدای لب خشکت ای گل، سر من

به تیر سه شعبه جواب تو دادند
تو را کی توان بود مه انور من

ندیده به عالم کسی این چنین ظلم
گلویت دریدنت علی اصغر من

به وقت شهادت تبسم نمودی
روی دست بابت تو ای اختر من

نظر چون کنم من به گهواره‌ی تو
بسوزد به یادت ز پا تا سر من

امید شفاعت به روز قیامت
حسینی به دل دارد ای سرور من

نوحه‌ی شماره‌ی ۲

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام

(ای سر لشکر من ای نازنین برادر)

عباس نازنینم ای مهربان برادر
سقای کودک‌انم ای پاره پاره پیکر

کی بر زمین فکنده این قاما رسا را
کی از کفت رها کرد ای نامور لوا را

کی ناوک ستم زد بر چشم پاک و بینت
کی زد عمود آهن بر فرق نازنینت

گلرنگ گشته از خون آینه‌ی جبینت
جان اخوا امیدم شد ناامید دیگر

چون آسمان تنت شد از زخم پرستاره
فرقت دو تا و جسمت گردیده پاره پاره

تا جسم نازنینت در خاک و خون طپان شد
پشت من ای برادر از بار غم کمان شد

چون شد که از حسینت کردی چنین کناره
چون بینمت برادر در موج خون شناور

ساقی فتاده در خون سر تا به پای گلگون
هم ناله کن حسینی هم سینه زن دلی خون

نوحه‌ی شماره‌ی ۳

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی حضرت علی بم موسی الرضا علیه‌السلام

(یار غریبان رضا رضا جان)

ای تو پناه و یار غریبان ملجا درمانده‌گان به دوران
حجت یزدان معنی قرآن یار غریبان رضا رضا جان

گدای کوی تو ییم ای شاه ز لطف و احسان نگاه بنما
بگیر تو دستم گاه و هر گاه یار غریبان رضا رضا جان

تویی که شمس الشموس دینی طیب اهل روی زمینی
چه می‌شود گر به ما ببینی یار غریبان رضا رضا جان

غم‌زده‌گانیم به ماتم تو به دل بود شوق حرم تو
امیدواریم به کرم تو یار غریبان رضا رضا جان

ز جنت آیند بهر عزایت خیل ملک در صحن و سرایت
فاطمه گریان بود برایت یار غریبان رضا جان

شهید زهر جفا رضا جان ببین به حال جمع غریبان
خاصه حسینی به بحر عصیان یار غریبان رضا جان

نوحه‌ی شماره‌ی ۴

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی زبان حال حضرت رقیه سلام‌الله علیها در خرابه‌ی شام
(شام به سحر آمد، بابم ز سفر آمد)

اندوه دل خود را امشب به پدر گویم
بر پرسش حال من یک بار دگر آمد

بابا ز فراق تو دلخسته و غمگینم
در حسرت این بودم در نزد تو بنشینم

با پای برهنه شب گشتم به بیایان‌ها
پر آبله‌ی پایم یکدم بنگر بابا

هم صورت و بازویم کردند کبود از کین
دست همه را بستند این فرقه‌ی بد آیین

بابا ز چه ویرانه شد منزل و ماوایم
شرمنده شدم امشب در نزد تو بابایم

بر عمه‌ی مظلومم بنگر که چه‌ها دیده
هم داغ جوانان و هم رنج سفر دیده

هم کعب نی و سیلی هم طعنه ز هر شامی
بشنیده شما تنها هم سنگ ز هر بامی

کی راس تو ببریده ای ماه شب تارم
پیشانی خونینت داغی به دل زارم

خاکم به سر ای بابا دندان تو بشکسته
این درد و غم و ماتم قلب همه را خسته

بس راز به بابا گفت صد شکوه ز اعدا شد
خون قلب حسینی در این ماتم و غوغا شد

نوحه‌ی شماره‌ی ۵

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی حضرت علی اکبر علیه‌السلام

(لاله‌ی شیرین اکبر من مونس قلب زار بابا)

داغ غمت به سینه‌ی من ای مه بی‌قرینه‌ی من
کرده فکار و ناتوانم سرو به خون طپیده‌ی من
اکبر گل‌عذار بابا

ماه ماه به خون شناور من نور دو دیده‌ی تر من
مونس قلب ناتوانم خیز و ببین دو دیده‌ی من
دسته گل بهار بابا

میوه‌ی قلب من عزیزم اشک به مرگ تو بریزم
یا ولدی بگویم و از خاک غمت به سر بریزم
لاله‌ی لاله‌زار بابا

از چه تو را ز شاخه چیدند غریبی مرا ندیدند
نشسته‌ام به قلب سوزان کنار جسمت ای علی جان
چراغ شام تار بابا

یک نظری تو دیده بگشا تا به دلم شود تسلا
بعد تو اکبر جوانم خاک شود به فرق دنیا
بین تو به روزگار بابا

شبه رسول هردو عالم در غم و ماتمت بنالم
پیکر پاره پاره‌ات را سوی حرم چگونه آرم
دار و ندار و یار بابا

نشسته‌ای به حجله‌ی خون گشته دو دیده‌ام چو جیحون
بود و امید من ببینم جمله شادیت عزیزم، هدیه‌ی کردگار بابا

نور دو دیده‌ی پیمبر یک نظری به روز محشر
کن ز کرم بر عاشقانت هم به حسینی و برادر
لحظه‌ی انتظارم آقا

نوحه‌ی شماره‌ی ۶

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی وداع حضرت زینب کبری سلام‌الله علیها با برادر
(ای یادگار زهرا، مهلا مهلا برادر)

ای یادگار زهرا مهلا مهلا برادر
ماندی غریب و تنها مهلا عزیز مادر

یکدم مرو به مبدان ای نور چشم حیدر
وقت وداع آخر رسیده‌ای برادر

آهسته رو حسین جان ای جان تو را بقربان
کرده وصیتی آن مظلومه مادرمان

باید که من ببوسم هم دست و حنجرت را
بر دامنم بگیرم راس مطهرت را

ای باغبان نظر کن گل‌های پرپرت را
جسم شریف عون و عباس و اکبرت را

بعد از تو باغبان گل‌های پرپرم من
در موج خون به بحر غم‌ها شناورم من

هیچ آشنا ندارم ای آشنای زینب
تو میروی ز پیشم سرو رسای زینب

مشکل بود برادر تنهایی و غریبی
بی تو چه سازم ای شاه با درد غم نصیبی

هم ناله شو حسینی با جمع سینه زنها
با اشک و آه و افغان سر کن نوای مهلا

نوحه‌ی شماره‌ی ۷

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی وداع حضرت زینب کبری سلام‌الله علیها با برادر
(مهلا مهلا یابن الزهرا)

ای سالارم ای غم‌خوارم مهلا مهلا یابن الزهرا
به سوی میدان عازم گشتی مهلا مهلا یابن الزهرا

جان خواهر صبری بنما بیارم قرآن برایت
ای ماه من ای شاه من مهلا مهلا یابن الزهرا

صبری بنما آییم سویت بوسم ای گل من گلویت
این وصیت گفته زهرا مهلا مهلا یابن الزهرا

بگذار تا دستت بوسم گردد جدا دستت ز کین
نور چشم رسول الله مهلا مهلا یابن الزهرا

بگذار تا راس تو را بر دامنم گیرم ای ماه
راست ز تن گردد جدا مهلا مهلا یابن الزهرا

بعد از تو ای جان جانان من چه گویم با یتیمان
پرسند از من حال بابا مهلا مهلا یابن الزهرا

ای کاش ای کاش من بمیرم شاه بی کس را نبینم
کو لشکر و میر و سپاه مهلا مهلا یابن الزهرا

گفتا زینب جان خواهر ای برادر مهلا مهلا
گو با افغان ای حسینی مهلا مهلا یابن الزهرا

نوحه‌ی شماره‌ی ۸

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی زبان حال حضرت زینب سلام‌الله علیها با برادر
(سالار زینب، غمخوار زینب)

سالار زینب غم‌خوار زینب بنگر به حال غم‌بار زینب
تنها و بی‌کس اندر میان قوم ستمگر ای یار زینب

سرو رسایم ای باوفایم جویا شو اکنون احوال زینب
هرگز نبود این در باور من تنها بمانم هلال زینب

رخسار ماهت در ابر خون است جسمت عزیز من لاله‌گون است
یک‌سو تنت را یک‌سو سرت را بینم جدا ای سردار زینب

جرمت چه بوده ای جان پیمبر کاین‌گونه از تن ببردنت سر
حسین و منی ان من حسین مگر نگفته رسول داور

بی تو برادر آید چه بر سر از قوم کافر اهل حرم را
من هم غریب و تنها چگونه بردارم از خون تاج سرم را

قربان رویت ای شاه بی سر از ظلم کوفی ریشت به خون تر
رحمی نکردند آبی ندادند راست بریدند این قوم کافر

بودند یارم جمله جوانان عباس و اکبر چون ماه تابان
هم عون و قاسم هم شیرخواره علی اصغر با کام عطشان

یا رب به حق شاه شهیدان حق غریب شام غریبان
بخشا گناه جمع پریشان هم بر حسینی از لطف و احسان

نوحه‌ی شماره‌ی ۹

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام

(عباس نازنینم خیز و علم به پا کن)

سقای تشنه‌کامان آب‌آور یتیمان
پور علی عمران خیز و علم به پا کن

ای میر لشکر من ای یار و یاور من
در خاک و خون چرایی لب تشنه در بر من

دستت جدا ز تن شد خون بر تنت کفن شد
بعد از تو همدم من رنج و غم و محن شد

دادی تو وعده‌ی آب بر کودکان عطشان
در انتظار هستند طفلان زار و نالان

تنها چه سازم آخر در بین قوم کافر
قربان بازوانت ای نازنین برادر

حالم ببین عزیزم بیچاره و غریبم
هر لحظه در غم تو اشک از بصر بریزم

گیرد اگر سراغت آن خواهر غمینت
گویم چگونه شرح افتادن بر زمینت

کی بر زمین فکنده این قامت رسا را
کی از کفت جدا کرد عباس من لوا را

گلرنگ گشته از خون آینه‌ی جبینت
خون جبین و ریزد بر چشم نازنینت

سلطان دین بگفتا خیز و علم به پا کن
برسرزنان حسینی فریاد و ناله‌ها کن

نوحه‌ی شماره‌ی ۱۰

از سروده‌های مرموم استاد سید ممدذکی مسینی

نوحه‌ی حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام

(باوفا سپه سالارم)

ز غم تو ای سردارم ز دو دیده‌ام خونبارم
نه توان و صبیری دارم با وفا سپه سالارم

من غریب و دل افگارم رفته از کف علمدارم
در کنار جسمت ای گل دست برکمر من دارم

در میان قوم عدوان بعد تو چه سازم ای جان
بی‌سپاه و بی‌غمخوارم خیز و بین به حال زارم

پیکرت فتاده در خون پرچمت به یک سو واژگون
یک طرف دریده مشک و کودکان به یک سو عطشان

ساقی حرم از جا خیز حال طفلکان را بنگر
جمله بانوان را بنگر یک نظر بر آن بیمارم

ای یگانه پرچمدارم قد سرو و مه رخسارم
من فدای بازوانت نور دیده‌ی خون‌بارم

از کنار نهر علقم سوی خیمه چون برگردم
گه سراغت از من گیرند من چه گویم ای دلدارم

هر دو بازویت می‌بوسم کز بدن جدا گردیده
چشم پر ز خونت را بوسم ای گل‌گلزارم

ای خدا به حق سقا حق کودکان تنها
بر حسین و بر این جمع یک نظر به روز فردا

و اما سخن آخر؛

کاش می شد که شوم خادم و دربان حسین می شدم خاک ره پای غلامان حسین خواست از هر دو جهانم شود آسوده خیال مادرم دست مرا داد به دستان حسین مدت چند سال است که من با توفیق الهی و دعای اربابم حضرت سیدالشهدا (ع) و محبت مادرش حضرت زهرا (س) و دعای خیر امام زمان (عج) و همچنین دعای پدر و مادرم این توفیق را پیدا کردم که در خدمت شما ذاکران اهل بیت (ع) باشم و این سال ها از بهترین سال های عمر من بوده و یک لحظه هم خودم را از شما جدا ندانسته ام.

لذا از همه ی کسانی که مرا تشویق کردند، به من مهر و وفا و استقامت آموختند و از کسانی که انتقاد کردند و در این راه اهل بیت (ع) مرا یاری نموده اند، کمال تشکر را دارم.

همچنین از کلیه ی کسانی که از سال ۱۳۷۲ تا کنون در جلسات قرائت قرآن و دعا و جلسات توسل به اهلبیت (ع) مشوق این بنده ی حقیر بوده اند، توانستم برگ زرینی در بریابی جلسات آموزشی مداحی با همکاری جامعه مداحان افغانستان در تهران و هیئات مذهبی مهاجرین افغانستانی مقیم قم، داشته باشم. از دوستان ارجمند آقایان محمدامین رضایی، سید مصطفی حسینی، سید محمدامین امیری و همچنین از دوست بسیار خوبم آقای حمیدرضا زاهدی که در تنظیم این مجموعه بنده را یاری دادند و از ذاکر دلسوخته ی آل الله، سرور عزیزم جناب استاد سید محمدذکی حسینی، که در گردآوری مطالب این مجموعه زحمت کشیدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از کلیه مادحین و ذاکرین اهل بیت (ع) که در مجالس سیدالشهدا (ع) به اجرای برنامه می پردازند، مجتانه التماس دعا دارم.

و در پایان از خوانندگان، چنانکه اشکالاتی در متن مطالب، نکات و اشتباهات تایپی مشاهده نموده، از حضورتان عذرخواهی می نمایم.

التماس دعا، خادم الذاکرین کربلایی سید ابراهیم طباطبایی

۱ ذی الحجه ۱۴۳۵